

سیاست‌های انرژی بدون آینده‌نگری



یوسف صدیقی
دانشجوی دکتری شهرسازی

در پرس‌پرسه سیاست‌های انرژی کشور، گسلی عمیق و گسترده نهفته است که هر روز بیش از پیش تهدیدی برای آینده پایدار ملی به شمار می‌آید. بحران انرژی در ایران فراتر از کمبود فیزیکی منابع است؛ این بحران ریشه در ساختار حکمرانی، اقتصاد سیاسی رانتی و فقدان چشم‌انداز بلندمدت دارد که منجر به فرسایش تدریجی زیست‌بوم اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی شده است. این وضعیت نه صرفاً یک مشکل تکنیکی، بلکه بازتابی از اشکال در هماهنگی میان سیاست، اقتصاد و جامعه است؛ جایی که تصمیمات لحظه‌ای و واکنشی جایگزین برنامه‌ریزی استراتژیک شده‌اند و این چرخه معیوب، منابع حیاتی کشور را به سرعت تحلیل می‌برد. به بیانی ساده‌تر، سیستم تصمیم‌گیری انرژی در کشور مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت گروه‌های محدود قدرت است که از رانت انرژی بهره‌مند می‌شوند و هرگونه تغییر اساسی را تهدیدی برای جایگاه خود می‌دانند. این انحصارگرایی سیاسی و اقتصادی، توسعه فناوری‌های نوین و سیاست‌های صرفه‌جویی و بهره‌وری را عملاً غیرممکن ساخته و در مقابل، مصرف بی‌رویه و ناکارآمد انرژی را تشویق می‌کند. در این میان، ناکارآمدی نهادی، ضعف در نظارت و نبود شفافیت، شرایط را برای سوءمدیریت گسترده فراهم آورده است. در سطح اقتصادی، مدل توسعه مبتنی بر انرژی‌های ارزان و فراوان، ساختاری غیررقابتی و وابسته ایجاد کرده که به جای ایجاد ارزش افزوده واقعی و اشتغال مولد، به بازتولید وابستگی اقتصادی و فقر منجر شده است. صنایع پر مصرف و فاقد بهره‌وری در کنار مصرف بالای خانوارها و کشاورزی سنتی، فشار مضاعفی بر شبکه انرژی وارد می‌کنند و کمبود منابع در بخش‌های حیاتی‌تر را شدت می‌بخشد. این نرابرابری در دسترسی و مصرف، به گسست اجتماعی و افزایش شکاف میان مناطق پرخوردار و محروم دامن زده است. پیامدهای زیست‌محیطی این سیاست‌ها، به‌طور آشکار و روزافزون نمایان می‌شود. فرسایش منابع آب، آلودگی گسترده هوا و تخریب پوشش گیاهی، تنها نمونه‌هایی از بحران‌هایی هستند که به دلیل مصرف ناپایدار انرژی و عدم توجه به ملاحظات اقلیمی و محیط‌زیستی پدید آمده‌اند. این شرایط زیست‌محیطی شکننده، بازخوردی مستقیم بر سلامت عمومی، امنیت غذایی و حتی ثبات اجتماعی دارد و بحران‌های جدیدی در ابعاد گسترده‌تر ایجاد می‌کنند که هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر کشور تحمیل می‌کند. تکنولوژی‌های نوین انرژی پاک، انرژی خورشیدی، بادی و بهره‌وری انرژی که می‌توانند بخش مهمی از این بحران را مرتفع کنند، در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور نه به‌عنوان راه‌حل‌های اصلی، بلکه گزینه‌های جانبی و کم‌اهمیت تلقی می‌شوند. فقدان زیرساخت‌های پژوهشی قوی، سرمایه‌گذاری ناکافی و عدم تقویت ظرفیت‌های انسانی در این حوزه‌ها، مانع از به‌کارگیری این فناوری‌ها به نحو مؤثر شده است، در نتیجه ایران علی‌رغم ظرفیت‌های طبیعی چشمگیر، درگیر سیاست‌های کهنه شده است. در نهایت، عبور از این بحران نیازمند بازاندیشی اساسی در فلسفه حکمرانی انرژی است؛ انرژی باید به‌مثابه حق عمومی نسل حاضر و آینده شناخته شود و نه فقط کالایی برای تجارت یا ابزار کنترل سیاسی. حکمرانی انرژی باید متکی بر شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت همه ذی‌نفعان باشد تا عدالت توزیعی و پایدایی زیست‌محیطی تضمین شود. این امر مستلزم تحول در ساختارهای نهادی، اصلاح قوانین و سیاست‌ها و ایجاد سازوکارهایی است که منافع بلندمدت کشور را بر منافع کوتاه‌مدت ترجیح دهد. علاوه بر این، توسعه و بومی‌سازی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر، اصلاح الگوی مصرف با اولویت‌بندی بهینه‌سازی بهره‌وری و مدیریت هوشمند شبکه‌های انرژی، باید به بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های کلان تبدیل شود. این تحولات نه صرفاً فنی، بلکه اجتماعی- اقتصادی هستند و موفقیت آن‌ها منوط به جلب مشارکت آگاهانه و فعال جامعه، ارتقای سطح آموزش و ایجاد ظرفیت‌های نظارتی مردمی است. بدون چنین تغییراتی، چشم‌انداز پایداری انرژی و محیط زیست کشور مبهم باقی خواهد ماند و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، سنگین خواهد شد. فقط با درک این پیچیدگی‌ها و تصمیم‌گیری‌های شجاعانه و آینده‌نگر می‌توان به مدیریت بهینه منابع انرژی دست یافت و مسیر توسعه‌ای پایدار، عادلانه و مقاوم در برابر بحران‌ها را هموار ساخت؛ مسیری که نه تنها بحران‌های کنونی را کاهش دهد، بلکه به رشد متوازن، سلامت جامعه و حفظ زیست‌بوم برای نسل‌های آینده بینجامد.



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دیدار دوشنبه شب رهبران اروپایی با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکابر طعنه اماکم‌تشن بود. طعنه‌ها را ترامپ می‌زد؛ اما رهبران اروپایی به‌دلیل هراس از تکرار جلسه‌پر تنش چند ماه قبل میان «ولادیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین با او، از ورود به تش‌لفظی خودداری کردند. در نتیجه ترامپ پس از آنکه طعنه‌هایش بی‌پاسخ ماندند، حرفش را بر اروپایی‌ها حاقل در همان جلسه غالب کرد؛ حرف‌هایی که حاصل نهایی جلسه او با «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه در جلسه شنبه‌شعبود. ترامپ از رهبران اروپایی خواست در آرای پذیرش توقف جنگ توسط روسیه با تعدادی از مهم‌ترین درخواست‌های این کشور از جمله ملحق‌نشدن اوکراین به ناتو و باقی‌ماندن بخش‌هایی از خاک این کشور در دستان مسکو، موافقت کنند.

نکات

در خصوص تحولات جدید پیرامون اوکراین نکات ذیل حائز اهمیت هستند.
۱. اوکراین باتوجه به شرایط و ویژگی‌هایش از سال ۲۰۱۴ راهبدی را انتخاب کرد. نسبت اوکراین با روسیه به‌گونه‌ای نبود که قادر به مواجهه غیر ضروری با آن باشد؛ این مسئله تنها از قدرت نظامی روسیه و همسایگی با اوکراین که نتاجم را تسهیل می‌کرد، ناشی نمی‌شد بلکه در هم‌تپندگی بالایی میان دو کشور وجود داشت. ۱۷ درصد یا یک‌پنجم جمعیت اوکراین، معادل ۷ میلیون نفر روس تبار بوده و علاوه بر اکثریت جمعیتی در برخی از استان‌های جنوب، در سراسر کشور پراکنده بودند. هم‌زمان ۲ میلیون اوکراینی نیز در روسیه حضور دارند. «ویکتور یانوکویچ» رئیس‌جمهور و «میکولا آزارف» نخست‌وزیر اوکراین که در سال ۲۰۱۴ پا کودتا سرنگون شدند به روسیه گریختند. از سوی دیگر در همان سال فرمانده جدید نیروی دریایی که پس از کودتا به این مسئولیت رسیده بود در پایگاه روسیه در شبه‌جزیره کریمه، به این کشور پیوست. جالب آنکه والدین «الکساندر مسکوی» که در حال حاضر فرمانده کل ارتش اوکراین است، در همان چین که او وظیفه جنگ با روسیه را بر عهده دارد در منطقه ولادیمیر در نزدیکی مسکو زندگی می‌کنند و طرفدار کسانی‌اند که فرزندشان با آن‌ها می‌جنگند.

در هم‌تپندگی جمعیتی اوکراین با روسیه نشان می‌دهد این کشور نه‌تنایی ورود به جنگ با مسکو را داشت و نه ضروری بود که وارد چنین میدانی شود. دولت سرنگون‌شده اوکراین در سال ۲۰۱۴، با آزاری مردمی و به‌طور قانونی قدرت را در دست گرفته بودو هرچند در ننازه میان روسیه و غرب، طرفدار مسکو شناخته می‌شد، روی استقلال این کشور از روس‌ها حساسیت داشت.

ملی‌گرایان افراطی اوکراینی با حمایت غرب کار را به جایی رساندند که امروز از یک طرف روسیه بخش‌های مهم و وسیعی از خاک اوکراین را تصرف کرده و با حملات تخریبی توان آن را کاهش داده است و از سوی دیگر وابستگی اوکراین به غرب باعث تضعیف حاکمیت آن شده تا جایی که تصویب و تخصیص بودجه به نهادهای دولتی باید در کمیسیون کارشناسان غربی در کی‌یف تأیید شود.

پیش‌ازاین هیچ نیروی خارجی مسلحی در اوکراین وجود نداشت؛ اما علاوه بر باقی‌ماندن نیروهای روسیه قرار است نظامیان غربی در خاک این کشور مستقر شوند.

۲. اوکراین هیچ‌گاه تهدیدی علیه ایران و چین نبود و حتی در زمان حضور غرب‌گرایان در قدرت، روابط مناسب و رو به‌شدی با آن‌ها داشت؛ اما در حال حاضر با ابراز تهدید و اقدامات در محدوده قمر از سوی دیگر وابستگی اوکراین به غرب باعث اتباع چینی و مستگیری آن‌ها به جرم جاسوسی، دستگیری و محضر عنصر متعلق سرویس اطلاعات اوکراین در ایران در حین جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونی و همچنین نقش آفرینی اوکراین در قضایای سودان و سوریه علیه محور مقاومت، ادراک از تهدید بودن مستقیم اوکراین علیه امنیت ملی و منافع تمام دولت‌های شرقی به اثبات رسیده است. اوکراین بیهوده خود را در مخصصه‌ای قرار داد که فراتر از ظرفیت و توان این کشور است.

۳. منابع اوکراین توسط دوست و دشمن، روسیه و آمریکا به تاراج رفت و با این حال قصد دارد با جذب منابع مالی از اروپا آن را صرف خرید مبالغ کلانی سلاح از آمریکا کند تا بتواند نظر واشنگتن را جلب سازد.

این روزنامه رسیده است، اوکراین به آمریکا پیشنهاد داده در صورتی که این کشور به کی‌یف تضمین امنیتی دهد، از این کشور تسلیحاتی به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار با کمک مالی اروپا خریداری می‌کند.

۴. اوکراین از یک کشور آرام به محل جنگ و سکوی پرتاب تبدیل شده است. استفاده از پهپادهای دور‌برد علیه روسیه تا برزد نزدیک به ۲ هزار کیلومتر و اخیراً رونمایی از موشک کروز با برد ۳ هزار کیلومتر این مسئله را نشان می‌دهد.

۵. هدف اروپا از تسلیح اوکراین به موشک ۳ هزار کیلومتری و تبدیل این کشور به سکوی پرتاب، صرفاً ابزار سازی علیه روسیه نیست؛ بلکه دیگران را نیز باتوجه ادعاهای کی‌یف در معرض خطر قرار می‌دهد. ازاین‌رو رونمایی از موشک کروز

پوتین اعلام کرده است جز با گرفتن بخش‌های مهمی از اوکراین جنگ را خاتمه نمی‌دهد

ترامپ دلال این معامله است، اروپا تماشاچی‌اش و زلنسکی موزهٔ عبرت

حراجی اوکراین



سناریوهای ارضی

در خصوص تقسیمات اوکراین پس از پایان جنگ چند سناریو وجود دارد.

۱. جنگ متوقف شود و خطوط زمان توقف جنگ، محدوده کنترل هر یک از طرفین را مشخص کند. در این شرایط بخش‌های عمده‌ای از ۴ استان لوهانسک، دونتسک، زاپروژیا و خرسون به روسیه تعلق می‌گیرد؛ بدون آنکه به رسمیت شناخته شوند.

۲. جابه‌جایی سرزمینی یک سناریوی دیگر است. در این سناریو که محتمل است، روسیه از مناطقی در استان‌های زاپروژیا و خرسون و حفظ کردیوری در جنوب آن‌ها برای اتصال زمینی به شبه‌جزیره کریمه، عقب‌نشینی می‌کند و در ازای آن اوکراین نیز مناطق تحت کنترل خود در استان‌های لوهانسک و دونتسک را راهی سازد. در این صورت به احتمال بالا مناطق تصرف‌شده توسط روسیه در دونباس به رسمیت شناخته نخواهند شد.

۳. یک سناریوی دیگر، تشکیل جمهوری‌های خودمختار داخلی در دونباس شامل دو استان لوهانسک و دونتسک است. در این سناریو، دونتسک و لوهانسک در کنترل روسیه باقی می‌مانند اما به خاک روسیه ملحق نمی‌شوند، بلکه در قالب دو جمهوری داخلی که پیش‌تر تشکیل شده‌اند، در بدنه سیاسی اوکراین مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

این شیوه هم برای روسیه و هم اوکراین مطلوبیت دارد. مطلوبیت آن برای اوکراین جدانشدن رسمی خاکش است. برای روس‌ها نیز یک کنترل کم‌منافشه بر قسمتی از خاک اوکراین است و از سوی دیگر از طریق اون در استان و آرای‌شان می‌تواند اثرگذاری خود بر دولت مرکزی در کی‌یف را حفظ کند. از منظر دیگر، سومین مزیت برای روس هارفع اتهام اشغال خاک کشوری دیگر و برطرف‌شدن مشکل شناسایی است.

مشکل کنونی در کجاست؟

علاوه بر تصرف بخشی از خاک اوکراین، روس‌ها خواهان کوچک‌شدن ابعاد ارتش اوکراین، تضمین نیویستن این کشور به ناتو و عدم استقرار نیروهای نظامی خارجی در آن هستند. از این سه خواسته، تنها نیویستن اوکراین به ناتو مورد پذیرش قرار گرفته است؛ چنانچه شرایط آن هم فراهم نیست. ترامپ در توجیه پذیرش این خواسته روسیه در مصاحبه با شبکه فاکس نیز گفته است که «نوعی سازوکار امنیتی وجود خواهد داشت؛ نمی‌تواند ناتو باشد، اگر شما جای روسیه بودید، آیا دوست داشتید دشمندان دقیقاً روی مرز شما مستقر شود؟ این کار را نمی‌کنید. همیشه این‌طور فرض می‌شد که اوکراین در حکم منطقه‌ای حائل بین روسیه و اروپا است.»

از سویی دیگر اوکراین حاضر به کوچک‌سازی ابعاد ارتش خود نخواهد شد. این احتمال وجود دارد که با توقف جنگ با نانو و عدم شل‌دن سربازان و کاهش نیازهای جنگی، ابعاد ارتش اوکراین اندکی کمتر شود، اما این مسئله به معنای غیر نظامی شدن این کشور که مورد خواست روسیه است، نخواهد بود. براین‌اساس درخواست روسیه برای نیویستن اوکراین به ناتو مورد پذیرش قرار گرفته و از سوی دیگر کاهش ابعاد ارتش اوکراین ردمده و غیر ممکن است. ازاین‌رو آنچه بر سر آن مناقشه وجود دارد احتمال استقرار نظامیان خارجی در اوکراین است. قاعدتاً این نیروها با وجود محدود بودن، قوای معمولی نخواهند بود. اوکراین سرباز اسلحه به دست کم ندارد تا اروپا قصد مستقر سازی آن‌ها را دارد، خلبانان و تکنسین‌های نیروی هوایی به همراه جنگنده و پهپادهای پیشرفته هستند. از سوی دیگر متخصصان پدافند هوایی و در حوزه زمینی، یگان‌های کماندویی و یگان‌های محدود زمینی اما مجهز به تانک‌ها و زرهی قدرتمند در این قوای محدود خواهند بود که حکایت از کیفیت بالای آن‌ها دارد.

۱۵. اوکراین از ظرفیت امنیتی، سیاسی و اجتماعی لازم برای فهم واقعیت‌های در جریان بر خوردار نیست و به‌دلیل ناتوانی در تشخیص قادر به تجویز اقدامات مناسب برای تنظیم کشور در مسیر صحیح نخواهد بود؛ این پدیده به آن معناست که قوای سیاسی، امنیتی و اجتماعی اوکراین همچنان در معرض فشارها و فریب‌تمام طرف‌های بازی باقی می‌مانند.

اوکراین وقوای سیاسی و امنیتی آن دچار این برداشت اشتباه شده‌اند که به‌دلیل قراردشتن در کانون منازعه، به‌تبع آن دارای بیشتری اطلاعات و فهم از روندها هستند، اما صرف وجود جنگ در این میدان نشان‌دهنده کانون بودن در منازعه نیست و از سوی دیگر، جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل‌ها نیاز به تعادل دارد.

قوای کنونی اوکراین نشان داده‌اند تعادلی ندارند و بازی خوردن در تحریک روسیه به جنگ و بازی خوردن کنونی از آمریکا‌ای مسئله را آشکار می‌کند.

۱۱. اوکراین که به نیابت از آمریکا وارد جنگ شدد حالا در حال مشاهده رفتار متفاوت این کشور است، گویی که کی‌یف باید منت‌دار واشنگتن باشد. این منت‌داری حتی در قبال اروپا نیز به وجود آمده؛ زیرا دولت‌های این قاره واسطه‌تداوم حمایت‌های آمریکا از اوکراین هستند.

۱۲. اوکرایس‌ن برای جلب کمک و توجه آمریکا در حالی که در رقابت با رژیم صهیونی برای دریافت تدارکات نظامی قرار داشت، امروز باید به همکاری با تل‌آویو بپردازد.

بپردازد.

بود و شرایط را ایدئال و مثال‌زدنی توصیف می‌کرد؟! البته قرار نیست وزیر خارجه ترکیه به این سؤال پاسخی دهد!

ارتش نامرئی و حکومت لرزان

در این میان، مقامات دولت اردوغان تلاش می‌کنند آنچه در سئوریه رخ می‌دهد را نماد نوعی «آتش‌ش قابل پیش‌بینی» تلقی کرده منازعات شکل گرفته در بطن دمشق، سویداء، لاقیقه، دیرال‌زور و دیگر نقاط این کشور را نیز در زمره ویژگی‌هاو حتی باسبب‌های دوران گذار به تصویر کشند. نهادهایی که با مهندسی و مدیریت ترکیه در دمشق (سوریه جولانی) در حال شکل‌گیری بوده‌اند، توسط همان دولت‌هایی که به سقوط اسد با واسطه‌گری آنکارا چراغ سبز نشان داده‌اند، نابود شده یا اساساً محالی برای خلق یا بازتعیف‌ان آن پیدا نشده‌اند است؛ یکی از این نهادهای کلیدی، ارتش است. سوریه به کشوری منهای ارتش تبدیل شده که اساساً قدرت صیانت از حق حاکمیت سرزمینی این کشور و متعاقباً تنظیم نمادهای قدرت سخت دمشق در برابر انواع تهدیدات بالقوه و بالفعل منطقه‌ای را ندارد. در چنین شرایطی، دولت اردوغان در صدد «حفظ ظاهر» و «آبروداری» در قبال شرایط بحرانی موجود در سوریه است. به گزارش شبکه تلویزیونی ان‌تی‌وی ترکیه، آنکارا آمده است تا به موجب یک توافق اولیه، سلاح و سایر تجهیزات نظامی لازم را در اختیار دمشق قرار دهد و حمایت خود از دولت جدید سوریه را تعمیق بخشد. این توافق که میان وزیران دفاع دو کشور امضا شده است، «آموزش و مشاوره مشترک» نام دارد و طبق آن، نیروهای سوری تحت آموزش نظامیان ترک برای استفاده از این سلاح‌ها قرار خواهند گرفت. بهتر است قبل از آنکه در خصوص حجم و کیفیت این تسلیحات و آموزش‌های نظامی مرتبط با

آن سخن گفته شود، از فیدان و اردوغان یک سؤال کلیدی‌تر پرسیده شود؛ دقیقاً این تسلیحات و خدمات در اختیار کدام ارتش قرار خواهد گرفت؟!

اردوغان آرام و قرار ندارد

نکته مهم‌تر اینکه ترکیه خود نیز تضمینی در خصوص پایداری هینت تحریرالشام در رأس مسند قدرت در دمشق از سوی واشنگتن و تل‌آویو دریافت نکرده است. بنابراین، اکثر قراردادهای تسلیحاتی آنکارا-دمشق ناظر بر سلاح‌های سبک، آموزش‌های کوتاه‌مدت نظامی و امکانات اولیه است. هم‌باران وزارت دفاع سوریه در دمشق (توسط رژیم صهیونیستی)، آنکارا را به تجدیدنظر پنهان در برخی محاسبات بلندمدت و حتی میان‌مدت خود در کشور همسایه واداشته است. از سوی دیگر، مقامات دولت اردوغان هنوز به لحاظ روانی قادر به همضم هزینه‌های گفتگی که در روند سقوط حکومت اسد صرف کرده‌اند، نیستند. به نظر می‌رسد مذاکرات پنهان و آشکار آنکارا با واشنگتن و تل‌آویو نیز در این خصوص ثمره‌بخش نبوده و این دو بازیگر سلطه‌گر نیز حاضر به توضیح چرایی تغییر اوضاع بازی خود در قبال «سوریه پس‌اسد» و «ترکیه کنونی» نیستند؛ ترکیه از یک سو در پی گسترش نفوذ خود در سوریه و مقابله با شبه‌نظامیان کرد است که به صورت مستقل از دمشق (هینت تحریرالشام کنونی) فعالیت می‌کنند، اما از سوی دیگر، احتمال تکرار مواجهه نظامی رژیم صهیونیستی و حکومت جولانی به صورت خودکار، ضریب احتیاط را در میان مقامات حزب عدالت و توسعه تشدید کرده است. رجب طیب اردوغان اخیراً در سخنانی اعلام کرده که عملیات نظامی اسرائیل در خاک سوریه تهدیدی برای ثبات این کشور محسوب می‌شود، اما از مواجهه مستقیم خودداری کرده است!